

رسانه واقعه

جلسه هفتم

آیت‌الله شیخ علی رضایی تهرانی

مرکز سیمای استان اصفهان

۱۴۴۵/۰۵/۲۳ هجری قمری

۱۴۰۲/۰۹/۱۶ هجری شمسی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سنت‌های غلط پیرامون مسئله مرگ

در برخی از امور، دست عقل و خرد باز است، اما در بعضی از مسائل، ما به شدت وام‌دار وحی و شرع هستیم. یکی از اموری که ما به شدت وام‌دار شرع و وحی هستیم، بحث قبر، مرگ، برزخ و قیامت است. سر مطلب هم آن است که این مسائل، از سنخ اموری است که فقط انبیا و اوصیای الهی هستند که می‌توانند این گونه ارتباطات را کشف کنند و برای ما آموزه‌هایی داشته باشند. در این گونه امور، انسان مؤمن باید به شدت نص‌گرا ۱ و وحیانی بیندیشد و از امور از خودساخته پرهیز کند.

غفلت از عبرت

متأسفانه، در جای‌جای زندگی‌های ما، سنت‌ها و آداب و رسوم غلط، نفوذ پیدا کرده است. ما در بحث مرگ و توابع مرگ، متأسفانه برخی از سنن و آداب اجتماعی را می‌بینیم که نه تنها مورد تأیید شریعت نیست، بلکه مورد تقبیح شریعت است. درحالی‌که بحث مرگ و توابع مرگ، قرار است برای زندگان درس عبرت باشد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وقتی در بستر شهادت افتاده بودند، قبل از شهادت به اطرافیان فرمودند: «چند ساعت دیگر من برای شما عبرت روشنی خواهم بود.» «لِيُعْظَكُمُ هُدًى وَخُفُوتُ إِطْرَاقٍ وَسُكُونُ أَطْرَافٍ»^۲، حضرت می‌گویند این علی ابن ابی طالب که قانع ۳ باب خیبر و کشنده عمرو بن عبدود ۴ است، با این سوابق، این طور بدنش افتاد و روحش رفت، پس شما درس بگیرید. اما هر چیزی که توجه انسان را از این عبرت‌آمیز بودن و درس‌آموز بودن، برگرداند به سمت دنیا، مورد تأیید شرع نیست.

خودنمایی‌ها و گل‌آرائی‌ها، سنت‌هایی غیردینی

امروزه برای تعظیم مردگان، از گل استفاده می‌کنند. چه گل‌های طبیعی و چه گل‌های مصنوعی. به چه دلیل؟ کجای سنت پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین وارد شده است و چنین گفته شده است؟ این گل برای مرده چه ارمغانی دارد؟ یا مثلاً در بحث تشییع، آداب رعایت نمی‌شود؛ افراد جلوی جنازه راه می‌روند یا خانم‌ها در تشییع شرکت می‌کنند. این‌ها خلاف سنت رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

در بحث بزرگداشت، ما فراوان روایت داریم که «لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحَدِّثَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثٍ ۵»، تهنیت ۶ سه روز است و تعزیت ۷ هم سه روز. پس بیشتر از سه روز عزاگرفتن، با سنت نبوی سازگار نیست. سنت نبوی این است که سه روز تهنیت و سه روز تعزیت. کسی که از حج می‌آید، تا سه روز به دیدنش برویم. کسی که عزیزی را از دست داده است، تا سه روز به او تسلیت بگوییم. اما این که هفته و چهل و سال بگیریم، این‌ها اموری است که ما از خودمان اضافه می‌کنیم. این‌ها در متن دین وجود ندارد.

امروزه در مجالس ختم، آدابی رسم شده است که بعضاً آداب دینی نیست. بارها و بارها از کسانی که آمده‌اند تشکر می‌شود، بارها و بارها از طرف کسانی که آمده‌اند به صاحبان عزا تسلیت گفته می‌شود و بعد به گونه‌ای

برخورد می‌شود که انگار طرف می‌خواهد حضور خودش را به رخ بکشد که صنف فلان هم شرکت کرده‌اند و با پارچه‌نوشته هم این اطلاعیه را اعلام می‌کنند. این موارد در بحث قبر و برزخ و قیامت، موردنظر دین نیست.

آداب قبر و تدفین

در قبرستان‌ها هم آداب و سنن متناسب با آن باید موردتوجه قرار بگیرد. حتی گفته شده است که اگر انسان بخواهد بیش از حد از میت تعریف کند، مورد قبول نیست؛ چه این که کم گذاشتن نسبت به شخصیت میت هم مورد قبول نیست. بلکه باید برای او زیاد دعا کرد؛ مثلاً ما تأکید داریم بر نماز وحشت و نماز شب اول قبر. این تأکید خوبی است، اما در روایات ما، نماز شب اول قبر بعد از صدقه است. دستور اول صدقه است. گفته‌اند برای این که مرده در گور آرام باشد، صدقه بدهید و این صدقه هرچه گسترده‌تر باشد و هرچه به بیش‌تر به کسی که استحقاق صدقه را داشته داده شود، مرده خوشحال‌تر می‌شود. اگر هم نداری و نمی‌توانی صدقه بدهی، حالا دو رکعت نماز وحشت بخوان. البته جمع بین این دو هم مشکلی ندارد.

خدا مرحوم آیت‌الله بهجت را رحمت کند. ایشان معتقد بودند یکی از کارهایی که برای ما زنده‌ها، خیلی برکت دارد و خود ایشان این کار را هر شب انجام می‌دادند این است که انسان هر شب دو رکعت نماز وحشت بخواند به نیت تمام مؤمنین و مؤمناتی که در آن شبانه‌روز از دنیا رفته‌اند. خود آقای بهجت این کار را می‌کردند. این خودش یکی از یادآوری‌های عملی مرگ است. موارد دیگری هم دارد، مانند این که من کفن بگیرم و خودم روی کفنم قرآن بنویسم، یا این که اگر جای مشخصی برای قبرم دارم، خودم قبر خودم را حفر کنم و با این قبر انس بگیرم.

به‌هرحال ما تا حد ممکن باید از بدعت‌ها دور بشویم و به سنت‌ها نزدیک بشویم، آن هم در خصوص بحث قبر و قیامت. زیرا بحث قبر و قیامت بحث فلسفی و عقلی نیست. بحثی است که باید از وحی استمداد کنیم و عقل آدمی چندان نمی‌تواند در این زمینه جولان ۸ بدهد. مثلاً گفته‌اند دو تا چوب سبزر که هنوز خشک نشده را بگذار داخل قبر مرده؛ چرا؟ عقل ما نمی‌فهمد. می‌گویند تا این خشک نشده است برای میت فرجی وجود دارد. انسان ممکن است علتش را هم به‌خوبی متوجه نشود ولی می‌گویند چشم. می‌گویند مرده را آرام‌آرام به قبر نزدیک کن، انسان می‌گوید چشم. می‌گویند انسان‌هایی که غریبه هستند، با پشت دست به درون قبر خاک بریزند و انسان‌هایی که فامیل هستند با کف دست خاک در قبر میت بریزند، علتش را هم ممکن است ما ندانیم، ولی باید به این آداب عمل کنیم. هرچه از سنن باطل که بعضی از این سنن هم از مغرب‌زمین به ارث رسیده است، دور بشویم، یقیناً به اسلام و آداب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم.

منازل و مراحل مرگ

وقتی مرحله مرگ در زندگی مان شروع می‌شود، طبیعتاً مراحل و منزل‌های مختلفی را درک می‌کنیم. در این زمینه، چهار منزل اساسی یا چهار ایستگاه اساسی داریم. منازل جزئی بیشتر است؛ ولی کلیت ماجرا، همان چهار ایستگاه است. ایستگاه اول، خود مرگ است؛ پدیده‌ای که برای بسیاری از افراد تلخ است و برای بعضی‌ها شیرین است. ایستگاه دوم، ایستگاه قبر است. ایستگاه سوم، ایستگاه برزخ است و ایستگاه چهارم، ایستگاه قیامت است. در قیامت هم کار یکسره می‌شود. یعنی بعد از منازل پنجاه‌گانه قیامت، انسان یا دوزخی است یا بهشتی. برخی از دوزخی‌ها بعد از مدتی عذاب، شفاعت می‌شوند و به بهشت می‌آیند، اما اگر کسی وارد بهشت شد، دیگر از بهشت خارج نمی‌شود.

این منازل چهارگانه، یا ایستگاه‌های چهارگانه، با دوازده خطر کلی روبه‌رو هستند، هر منزلی با چند خطر روبه‌رو است که این خطرهای اسباب و عللی دارد.

ثقلین، قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، آمده‌اند منت بر سر ما گذاشته‌اند و ایستگاه‌ها را مشخص کرده‌اند، خطرات را گفته‌اند، اسباب را تبیین کرده‌اند، راه نجات را هم برای ما فرموده‌اند. شاید قریب به صد و بیست راه نجات برای این خطرات در روایات ما آمده است.

ایستگاه اول، مرگ و خطرات آن

اولین ایستگاهی که ما با آن روبه‌رو هستیم مرگ است. ما در این ایستگاه چند خطر داریم که راه‌حل‌های این خطرها را هم داریم.

خطر اول، سخت جان‌دادن

انسان خدای‌نکرده ممکن است در هنگام مرگ آسان جان ندهد، بلکه به سختی جان دهد. اهل بیت (علیهم‌السلام) فرموده‌اند سبب سخت جان‌دادن عمدتاً سه امر است:

۱. ستم کردن کسی که حاکم و مدیر امور است؛ نه لزوماً به معنای پادشاه، بلکه حاکم ممکن است رئیس اداره باشد؛

۲. خوردن مال یتیم به ستم؛

۳. شهادت دروغ.

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) گفته‌اند راه نجات از این خطر، چند عمل است. می‌خواهی سخت، جان ندهی؟ این امور را انجام بده.

۱. صله‌ی رحم؛

۲. نیکی به پدر و مادر؛

۳. اهدای لباس زمستانی و تابستانی به نیازمندان

در دو فصل سرما و گرما من باید مواظب باشم همان‌طور که حواسم به پوشاک خانواده خودم هست، یکی دو خانواده دیگر را هم در نظر بگیرم و برای این‌ها لباس هدیه کنم؛

۴. اطعام شیرینی به مؤمنان؛ شیرین ساختن کام اهل ایمان. معروف است که «المؤمنون حلویون»، «المؤمنون رطبیون»، مؤمنین شیرینی و رطب دوست دارند؛

۵. خواندن سوره‌ی یس بالای سر محتضر؛

۶. خواندن سوره‌ی صافات بالای سر محتضر

این‌ها را قدیمی‌ها رعایت می‌کردند، اما متأسفانه الان خیلی از بیمارهای ما در آی‌سی‌یو جان می‌دهند. آی‌سی‌یو به یک معنا، قتلگاه است. بعضاً آن کسی که در آنجا کار می‌کند نسبت به بیمار تو حس ندارد، چون با او نسبتی ندارد. تو که نسبت به او حس داری به آنجا راه پیدا نمی‌کنی. به همین خاطر در بعضی از موارد، اطراف آی‌سی‌یو شیشه است و بیمار با بستگانش ارتباط می‌گیرد. یک شخص اهل فن، می‌گفت خیلی‌ها در آی‌سی‌یو از غربت می‌میرند. یعنی از شدت غربت، خودش دلش می‌خواهد بمیرد؛

۷. خواندن کلمات فرج بالای سر محتضر.

کلمات فرج این دو جمله است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»، مستحب است انسان بالای سر محتضر اینها را بخواند؛

۸. روزه گرفتن روز آخر ماه رجب.

۹. روزه گرفتن بیست و چهار روز از ماه رجب.

یک سال را انسان می‌تواند همتی کند و بیست و چهار روز از ماه رجب را روزه بگیرد. فرقی هم نمی‌کند چه روزی باشد. اینها نص دارد. عقل بوعلی سینا و فارابی و ملاصدرا و انیشتین را روی هم بگذاریم، این که روزه گرفتن آخر ماه رجب ارتباط تکوینی ۹ با آسان جان‌دادن دارد را متوجه نمی‌شوند. این را باید از صادق مصدق ۱۰، از پیغمبر و امام بگیریم؛

۱۰. زیاد خواندن سوره‌ی «زلزال» در نمازهای مستحبی. این سوره کوتاه است. سعی کنیم در شبانه روز، یکی دوبار به جای این که عادت کرده‌ایم فقط سوره توحید بخوانیم، سوره‌ی زلزال را بخوانیم؛

۱۱. اهل بیت (علیهم السلام) فرموده‌اند برای سهل جان دادن این دعا مؤثر است: «أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، من برای هر امر هولناکی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آماده کرده‌ام. «وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ»، هر هم و غمی برایم پیش بیاید، برایش «مَا شَاءَ اللَّهُ» آماده کرده‌ام. «وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ»، برای هر نعمتی که به من می‌رسد، آماده کرده‌ام که بگویم خدایا شکر. «وَلِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ». اگر گرفتار بودم و خدای متعال وسعتی داد، بگویم «الشُّكْرُ لِلَّهِ». «وَلِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ»، هر چه از مخلوقات خدا که من را شگفت زده کرد، بگویم «سُبْحَانَ اللَّهِ». «وَلِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، هر گناهی که از من صادر شد، از قبل آماده کرده‌ام که استغفار کنم. «وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَّالِهَا اللَّهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، در هر مصیبت و سختی، بگویم من از خدایم و به او بازمی‌گردم. «وَلِكُلِّ ضِيقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ»، هر گاه من احساس تنگی و فشار کردم، بگویم: «حَسْبِيَ اللَّهُ». «وَلِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»، هر قضا و قدری برای من پیش آمد، بگویم من کار را به خدا سپرده‌ام. «وَلِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصِمْتُ بِاللَّهِ»، هر دشمنی به من روی می‌کند، بگویم من به خدا پناه برده‌ام. «وَلِكُلِّ طَاعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

این از دعا‌های شیرین است که سراسر توحید است و در روایت آمده اگر انسان هر روز ده بار این دعا را بخواند، هرگز سختی جان‌کندن نصیب او نمی‌شود. ما این همه در طول شبانه‌روز حرف می‌زنیم، ده بار این دعا را خواندن، به نظرم پنج دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد، عوضش سخت، جان نمی‌دهیم. دعای دیگری هم آمده که اگر انسان هفتاد مرتبه در طول عمرش بخواند، سختی جان‌کندن را نمی‌بیند. «يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»^{۱۱}، چهار مورد از اسماء خداست. مرحوم قاضی فرمودند بعد از علم توحید، ما علمی به شرافت اسماء الهی نداریم. مؤمن باید با اسماء الهی زندگی کند. چرا خدای متعال اسم‌های متعدد دارد؟ «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»^{۱۲}، زیرا ما باید با اسماء الهی زندگی کنیم؛ مریض شدم، «یا شافی»^{۱۳}، «یا معافی»^{۱۴}، گرفتاری در کار برایم پیش آمد «یا فتاح»^{۱۵}، متناسب با هر کاری، اسمی از خدا را داریم تا او را به آن اسم بخوانیم. آیا می‌خواهیم سخت، جان ندهیم؟ هفتاد بار در طول عمرمان، زیاد هم نیست، «يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ».

خطر دوم، بی‌ایمان از دنیا رفتن

بعضی از انسان‌ها گاو نه من شیر هستند، لگدی به ظرف می‌زند و همه شیر را می‌ریزد. چطور این اتفاق می‌افتد؟ با وسوسه‌های شیطان. شیطان همان لحظه مرگ، در حال احتضار می‌آید تمام توانش را می‌گذارد که من بی‌دین از دنیا بروم. اهل بیت (علیهم السلام) فرموده‌اند اگر می‌خواهی از این خطر جان سالم به در ببری، این کارها را انجام بده:

۱. حاضر داشتن اصول دین با ادله قوی. یک بار توحید، عدل، نبوت، معاد و امامت را بفهم. یاد بگیر و این اصول را به امانت به خدا بسپار و به خدا بگو خدایا، موقع مرگ این‌ها را به من برگردان. کتاب‌های فراوانی به فارسی داریم که اصول دین را به صورت استدلالی و روان نوشته است. دعایی هم دارد: «اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي أَوْدَعْتُكَ يَقِينِي هَذَا، وَبَيَّاتَ دِينِي، وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ، وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ، فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَفَتْ حُضُورَ مَوْتِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^{۱۶} خدایا این اصولی که من اکنون فهمیدم، اصول دین من است. من به‌عنوان ودیعه به تو سپرده‌ام. تو خود گفته‌ای رَد

۱۷ امانت واجب است، این را موقعی که من می‌خواهم از دنیا بروم به من بازگردان.

۲. مداومت بر خواندن دعای عدیله.

دسته‌ای از دعاها، دعای عام و دسته‌ای دیگر، دعاها خاص است. یکی از دعاها خاص، بلکه دعای فوق‌تخصصی برای حفظ‌شدن انسان در موقع مرگ، «دعای عدیله» است؛ بنابراین من باید در طول عمرم بر این دعا مداومت کنم و موقع مرگ هم دیگران این دعا را بالای سر من بخوانند. این باعث می‌شود من بی‌ایمان از دنیا نروم.

۳. مواظبت بر رعایت اوقات نمازها.

رضوان خدا بر ابوذر! از او می‌پرسیدند اسلام با شما چه کرده؟ می‌گفت: «كُنَّا مَرَّةً رُعَاةَ الْإِيلِ فَصِرْنَا الْيَوْمَ رُعَاةَ الشَّمْسِ ۱۸»، ما دیروز شترچران بودیم، امروز وقت را رصد می‌کنیم که الان طلوع فجر است، نماز صبح؛ زوال آفتاب ۱۹ است، نماز ظهر؛ غروب شرعی است، نماز مغرب. ما آسمان‌چران شده‌ایم، به جای شترچران، داریم با مافوق ارتباط می‌گیریم. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) فرموده‌اند: «می‌خواهید شیعیان ما را محک بزنید؟ ببینید این‌ها به نماز اول وقت مقید هستند یا نیستند.» مرحوم آقای بهجت نقل می‌کنند که آقای قاضی در اواخر عمرشان می‌فرمودند: «اگر کسی ملتزم به نماز اول وقت با شرایطش بوده باشد و به هر مقام معنوی که می‌خواسته، نرسیده، من را لعنت کند.»

۴. نعمت‌های الهی را در راه گناه مصرف نکردن.

خدا به تو زیبایی داده است؟ ای جوان، خواهر و برادر من، چرا جوان دیگر را آلوده می‌کنی؟ صدای خوش به تو داده است؟ چرا ترانه مَلهی ۲۰ می‌خوانی؟ فکر تیز به تو داده است؟ چرا هکر می‌شوی که به جمهوری اسلامی ضرر بزنی و تأسیسات هسته‌ای ما را هک کنی؟ اگر انسان نعمت خدا را در راه گناه صرف کرد، سخت، جان می‌دهد.

۵. به حلم ۲۱ خدا مغرور نشدن.

۶. گرامی داشتن هرکسی که ادعای دوستی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) را دارد. در روایت داریم هرکسی ادعای محبت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) دارد، به صدق این ادعا هم کاری نداشته باشید، به احترام اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، تو او را گرامی بدار.

۷. خواندن دعای یازدهم صحیفه سجاده.

«يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفُ لَدَّا كَرِيْن»، این دعا را اگر انسان بخواند، برای این که بی‌ایمان از دنیا نرود تأثیرگذار است.

۸. مداومت بر تسبیحات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها).

به آن ذکر کبیر نیز می‌گویند و فضیلت بسیار زیادی هم دارد. اگر قرار باشد فضائل تسبیح حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) با آثاری که از آن دیده شده، نوشته شود، یک جلد کتاب قطور می‌شود. گاهی وقت‌ها این ذکر را سریع و ناشمرده می‌گوییم، چنان‌که خودمان هم نمی‌فهمیم چه گفتیم! پس باید شمرده بگوییم. خدا آقای شیخ اسماعیل نمازی را رحمت کند. می‌گفت: شاه طاغوت آمده بود مشهد و همه رفته بودند او را ببینند. من برای نماز وارد مسجد شدم. دیدم هیچ‌کسی نیامده است. به خادم گفتم ببین کسی می‌آید که ما نماز جماعت برقرار کنیم؟ هیچ‌کسی نیامد و من هم چون به نیت جماعت آمده بودم، نشستم. ناگهان دیدم یک سید خوش‌صورتی وارد شد، سلام کرد و گفت که آقای شیخ اسماعیل! همه رفتند به دیدن طاغوت، بیا با هم نماز بخوانیم. ایستاد جلو، نماز خواند، چه نمازی! بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا (علیها‌السلام) گفت. شمرده‌شمرده، الله اکبر، الله اکبر گفت. بعد هم برگشت با من کمی صحبت کرد و رفت. وقتی که رفت، من به فکر افتادم که این آقا که بود؟ به خادم گفتم این سیدی که وارد شد که بود؟ گفت سیدی وارد نشد! گفتم الان بیرون رفت. گفت کسی بیرون نرفت! گفتم من پشت سرش نماز خواندم، اسم من را از کجا می‌دانست؟ این چه نمازی بود خواند؟ من پشت سر هرکسی اقتدا نمی‌کنم، چطور من بی‌اختیار پشت سرش اقتدا کردم؟! سرش اقتدا کردم؟! ظاهرأ حضرت ولی‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بوده‌اند و این‌طور با تأمل تسبیحات می‌گفتند.

مرحوم آقای شیخ اسماعیل چند مورد تشرف داشته‌اند. تشریف در مکه دارند که بر اساس آن فیلم هم ساخته شده است؛

۹. دادن همه زکات خود.

در روایت داریم که اگر کسی قیراطی از زکاتش را ندهد، مسلمان نمی‌میرد؛

۱۰. بلافاصله بعد از استطاعت، حج را به‌جا آوردن.

روایت داریم که کسی که مستطیع می‌شود؛ ولی حج نمی‌رود، «فَلَيْمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»^{۲۳}، یهودی یا نصرانی می‌میرد؛

۱۱. مداومت بر ذکر شریف «رَبَّنَا لَا تُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^{۲۴}.
من اگر در نمازم سوره زلزال را بخوانم و در قنوت این دعا را بخوانم، باعث می‌شود سختی جان‌کندن را نبینم؛

۱۲. انگشتر عقیق به‌دست کردن.

بسیار مورد تأکید است؛ مخصوصاً اگر روی انگشتر عقیق، دو جمله «مُحَمَّدُ نَبِيُّ اللَّهِ» و «عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ» نوشته شده باشد، مؤثر است که انسان بی‌ایمان از دنیا نرود و سخت، جان ندهد.

۱۳. نماز توبه خواندن.

مرحوم شیخ عباس قمی آورده است که در اولین یکشنبه، بلکه هر یکشنبه ماه ذی‌القعدة خوانده شود. چهار رکعت نماز است که دستورش در مفاتیح‌الجنان آمده است^{۲۵}. گفته‌اند اگر کسی بر این نماز در ماه ذی‌القعدة مداومت کند، بی‌ایمان از دنیا نمی‌رود.

پس ما برای ایستگاه اول که مرگ بود، دو خطر داشتیم؛ سخت جان‌دادن و بی‌ایمان جان‌دادن. برای هر یک از این خطرات هم راه‌حلهایی از دیدگاه قرآن و سنت ارائه کردیم.

فهرست منابع

۱. گرایش به بررسی متون و سخنان آشکار و صریح.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹: «لَيُعْظُكُمْ هُدُوءِي، وَ خُفُوتُ إِطْرَاقِي، وَ سُكُونُ أَطْرَافِي؛ فَإِنَّهُ أَوْعَظُ لِلْمُعْتَبِرِينَ مِنَ الْمَنْطِقِ الْبَلِيغِ وَ الْقَوْلِ الْمَسْمُوعِ.» بی حرکت افتادن من و برهم بودن چشمانم و آرام گرفتن اندام هایم، باید شما را پند دهد؛ زیرا که اینها برای عبرت آموزان از هر گفتار بلیغ و از هر سخن پذیرفتنی، پند آموزترند.
۳. برکننده، از ریشه درآورنده.
۴. از برترین جنگجویان قریش که در جنگ خندق به دست امام علی (علیه السلام) کشته شد.
۵. «هیچ کس نباید بیش از سه روز حد نگه دارد.» وسائل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۲۷۱.
۶. شادباش.
۷. سوگواری.
۸. تاختن، دورزدن.
۹. ارتباط وجودی و حقیقی.
۱۰. تأیید و تصدیق شده.
۱۱. ای بیناترین شاهدان، ای سریع ترین حساب رانان، ای شنواترین شنوندگان، ای بهترین بخشندگان، ای مهربان ترین مهربانان، و ای بهترین حاکمان.
۱۲. سوره اعراف، آیه ۱۸۰؛ و نام های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید و کسانی را که در مورد نام های او به کژی می گرایند رها کنید، زودا که به آنچه انجام می دادند کیفر خواهند یافت.
۱۳. شفاعت بخش.
۱۴. عافیت بخش.
۱۵. بسیار گشاینده.
۱۶. فراز پایانی دعای عدیله، مفاتیح الجنان، نشر بلاغت، صفحه ۱۴۲.
۱۷. بازگرداندن.
۱۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۳، صفحه ۱۴۸.
۱۹. متمایل شدن آفتاب از وسط آسمان به سوی مغرب.
۲۰. در بازی آورنده، غافل کننده.
۲۱. صبر.
۲۲. واحدی برای وزن، معادل با ۲/۰ گرم تقریباً.
۲۳. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۲۰.
۲۴. سوره آل عمران، آیه ۸؛ «پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.»
۲۵. مفاتیح الجنان، اعمال ماه ذی القعدة، صفحه ۳۴۴.